

کودتای لاهوتی

تبریز، بهمن ۱۳۰۰

www.ketab.ir

کتابخانه

سرشناسه	: بیات، کاوه، ۱۳۳۳
عنوان و نام پدیدآور	: کودتای لاهوتی: تبریز، بهمن ۱۳۰۰ / نویسنده: کاوه بیات
مشخصات نشر	: تهران: پردیس دانش ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۱۵۲ ص
فروست	: مجموعه تاریخ معاصر ایران - ۶
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۰-۰۴۲-۱
فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: چاپ قبلی: موسسه نشر و پژوهش شیرازه، ۱۳۷۶
موضوع	: لاهوتی، ابوالقاسم، ۱۳۶۶-۱۳۳۶
موضوع	: ایران - ژاندارمری - تاریخ
موضوع	: ایران - تاریخ - قاجاریان، ۱۱۹۳-۱۳۴۴ ق - جنبشها و قیامها
موضوع	: تبریز - جنبشها و قیامها
ردیف	: ۱۳۹۲ ب ۹ / ۱۴۷۳ DSR
شابک	: ۹۵۵/۰۷۵۲۰۴۵
شابک	: ۳۲۱۶۷۲۲



کودتای لاهوتی

تبریز، بهمن ۱۳۰۰

نویسنده: کاوه بیات
طراح جلد: پردیس خرمی
چاپ: شیرازه
تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
چاپ اول: ۱۳۹۲
حق چاپ: محفوظ است

تهران: صندوق پستی ۱۹۰۴۵
تلفن: ۸۸۹۵۲۲۹۷ فکس: ۸۹۰۶۹۱
همراه: ۰۹۳۶۹۵۰۰۱۸۲

سایت: www.shirazehketab.net

قیمت: ۷۰۰۰ تومان

فهرست

مقدمه ۱

فصل اول: ماجرای ژاندارمری قم ۱۱

مساعدت سیاسی ۱۳

لاهوتهی خان، رئیس گروه ۱۶

تفتیش عمل ۲۲

تلفات سنگین ۲۴

سوء ظن ۲۷

سالهای جنگ و هجرت ۳۰

فصل دوم: تبریز دموکرات ۳۳

شکست و عقب نشینی ۳۷

جبهه شرفخانه ۴۰

در آستانه قدرت ۴۲

صبح صادق ۴۴

ژاندارمری تبریز ۴۶

خون خیابانی ۴۸

حاضرین در تلگرافخانه ۵۱

۵۳	اصلاح ذات‌البین
۵۷	سلامت وطن
۶۲	تبریز دموکرات
۶۵	اعزام قوا
۶۸	قطع رابطه
۷۱	سرتیپ شیانی
۷۴	به نام نامی دولت
۷۷	خبر نائله سرآغاز فاجعه
۷۹	حکومت نظامی
۸۵	فصل سوم از سبب سرکوب مصلحین
۸۸	«عاملین امر»
۹۲	ایالت مصدق
۹۵	در تعقیب لاهوتی
۹۹	سیاست عفو
۱۰۵	سرنوشت لاهوتی
۱۰۷	پرده آخر
۱۱۵	پیوستها
۱۱۷	جرائم لاهوتی در قم؛ پرونده‌ای ناقص
۱۲۵	بیانیه‌های لاهوتی
۱۲۷	فهرست منابع
۱۳۷	فهرست اعلام

مقدمه

در تاریخ ادبیات ایران لاهوتی شاعر با مجموعه‌ای از غزلیات، منظومه‌ها و قطعات گوناگون از موقعیت ثابت و شناخته شده‌ای برخوردار است. برخی از آثارش را مردم در دل دارند، مجموعه یا منتخبی از آنها نیز به تفارقی منتشر شده و کم و بیش در دسترس است. ولی از لحاظ تاریخی، ماژور ابوالقاسم خان لاهوتی افسر ژاندارم و رهبر کودتای تبریز در بهمن ۱۳۰۰ در موقعیتی همسنگ موقعیتش در تاریخ ادبیات معاصر ایران برخوردار نیست. در واقع می‌توان گفت که از بسیاری جهات این موقعیت ادبی، موقعیت تاریخی او را نیز تحت الشعاع قرار داده است؛ نه فقط گاه و گذاری و دل‌پاشی مبتنی بر اشعار و سروده‌های او جایگزین زندگینامه تاریخی او نیست بلکه حب یا بغض برآمده از موقعیت او در مقام یک شاعر انقلابی و مدافع از آن بوده که از حیات غیر ادبی او تصویری مطابق با داده‌های تاریخی فراهم آید.

۱. برای مثال بنگرید به مقدمه دیوان ابوالقاسم لاهوتی، با کوشش و مقدمه احمد بشیری، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۸، صص هفتاد و چهار تا صد و یازده.

هم‌زمان با اوج گرفتن شهرت و آوازه لاهوتی در مقام شاعری انقلابی، یعنی از هنگامی که با دامن گرفتن تبلیغات کمونیستی در ایران بعد از شهریور ۱۳۲۰ لاهوتی به سراینده‌ای تبدیل شد «... که برای نخستین مرتبه در سرزمینی که استثمار و مفتخوری حکمفرما است برای آزادی صنف ستمکش یعنی کارگر و برزگر جنگ را آغاز و از طبع گهربار و اشعار آبدار خود برای این مبارزه استفاده کرده است.»^۱ این مقابله با این شهرت و اعتبار نیز از دید حرکت‌های ضد کمونیستی پنهان نماند و مهم‌ترین اقدامی نیز که در این زمینه صورت گرفت جعل نشر نوشته‌ای بود موسوم به شرح زندگانی من. در این کتاب که نخست به صورت متن افست شده یک دست‌نوشته منتشر شد «لاوتی» پس از اشاره‌ای مختصر به دوران جوانی و سال‌های کار و فعالیت در ایران، کل کتاب را به افشای نظام حاکم در شوروی و برنامه‌های سیاسی آن برای ایران اختصاص داده است. اگر چه جعلی بودن این کتاب از همان مراحل نخست نشر مورد بحث قرار گرفت و حتی لاهوتی به رایحه سکوفراخوانده شد و مطالبی در تکذیب این نوشته بیان داشت ولی شیخ زندگانی من به عنوان یکی از شاهکارهای تبلیغاتی عصر خود، تا سال ۱۳۵۰ به صورت

۱. دیوان اشعار لاهوتی، به کوشش م. محمدری عباسی، تبریز، مهرماه ۱۳۲۰، ص ۱۰۰، دوم مقدمه.

۲. شرح زندگانی من، بقلم ابوالقاسم لاهوتی، ماشین چاپ (الکترونیک) امپراطوری، گندی راود، ۲۷۳ ص.

۴. برای آگاهی از این مباحث بنگرید به دیوان ابوالقاسم لاهوتی، پیشین، صص ۱ تا ۱۰۰ و هشت.

و اشکال گوناگون - از جمله یک متن حروفچینی شده - به حیات مستقل و مؤثر خود ادامه داد و بارها تجدید چاپ شد.

شرح زندگانی من نیز مانند هر اثر تبلیغاتی موفق دیگر آمیزه‌ای بود از دروغ و واقعیت؛ تلفیقی از داده‌ها و شایعات رایج آن دوره در مورد لاهوتی به طور اخص و کمونیست‌های ایرانی به طور کلی از یک سو و برنامه‌ها و اهدافی که تصور می‌شد دولت شوروی در قبال ایران در آن دوره از سوی دیگر. نگاهی به بخش‌های اولیه شرح زندگانی من که به شرح زندگی لاهوتی به عنوان افسر ژاندارم اختصاص دارد، خودگویای کلیه تبلیغات است. چنان‌که در بررسی قسمتی از آن ملاحظه خواهد شد، غالب این بخش صرفاً بر مفاد کتاب سیاست دولت شوروی در ایران استوار است که چند سالی پیش از تدوین شرح زندگانی من منتشر شده بود، که آن نیز از لحاظ تاریخی با داده‌های موجود تطابق چندانی نداشت.^۱

با آن‌که در همان اوقات به دسترس بخش زده شد که علی جواهرکلام یکی از روزنامه نگارهای توانمند آن دوره در جعل این نوشته دخیل بوده است^۲ ولی از چگونگی پدید آمدن این اطلاعات بیشتری در دست نبود تا آن‌که پس از انتشار مقاله «خودتاریخ» در «رداد» مارک گازیوروسکی در سال ۱۹۸۷^۳، که بخشی از آن به بررسی

۱. بنگرید به بخش پیوست‌های همین بررسی، پیوست شماره ۱.

۲. راهنمای کتاب، سال نوزدهم، شماره‌های ۳-۱، فروردین - خرداد ۱۳۵۵، ص ۲۳۸.

3. Mark J. Gasiorowski, "The 1953 Coup D'Etat in Iran", Int. J. Middle East Studies, 19 (1987), 261 - 286.

فعالیت‌ها و عملکرد شبکه «بدامن» اختصاص داشت، کم و کیف کار نیز تا حدودی روشن شد. یکی از دستاوردهای مهم این شبکه که از سال‌های نخست جنگ سرد از سوی تنی چند از عناصر سیا - سازمان اطلاعاتی ایالات متحده - برای مقابله با تبلیغات کمونیستی در ایران تأسیس شده بود، جعل و نشر شرح زندگانی من به شما می‌رفت،^۱ با انتشار خاطرات دونالد ویلبر یکی از اعضای شبکه «بدامن» جزئیات بیشتری از این امر آشکار شد.^۲ اگرچه در بازیابی من - خاطرات ویلبر توسط مقامات سیا - که ظاهراً شرط صدور مجوز انتشار است - و نوشته‌های کارمندان سابق این اداره به شمار می‌آید - چنانچه پاراگراف که به موضوع شرح زندگانی من لاهوتی

→

این مقاله نخست به صورت یک جزوه دانشگاهی تحت عنوان کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ (ترجمه سرهنگ غلامرضا نجاتی، تهران: شرکت انتشار، پاییز ۱۳۶۷)، آنگاه به عنوان یکی از ضمایم جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، اثر سرهنگ نجاتی (تهران: شرکت انتشار ۱۳۶۸) منتشر شد.

۱. گازیوروسکی، «کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲»، پیشین، ص ۷، پاورقی شماره ۳.

9. D. Wilber, *At the Heart of the Matter in the Middle East*. Princeton, 1986, p. 191.

برای آگاهی بیشتر در این زمینه بنگرید به مقاله «توهم توطئه» نشریه «ایمان» به سردبیری احمد اشرف، فصلنامه فرهنگی و اجتماعی گفتگو، شماره ۸، تابستان ۱۳۷۴، صص ۴۵ - ۴۰. در اینجا نگارنده فرصت را مغتنم دانسته، مراتب امتنان خود را از آقای احمد اشرف ابراز می‌دارد که گذشته از ارسال متن خاطرات مزبور، نگارنده را از محتوای مصرح خود با دونالد ویلبر که در آن موضوع جعل شرح زندگانی من صریحاً مورد اشاره قرار گرفته است نیز مطلع فرموده‌اند.

ناگفته نماند که در کتاب «رضاشاه» ویلبر که در ۱۹۷۵ در ایالات متحده منتشر شد، (Wilber Donald N., *Riza Shah Pahlavi*, New York, 1975) بخش مربوط به شورش لاهوتی به صورت مجمل و گذرایی مورد اشاره قرار گرفته است.

مربوط بوده است حذف شده (و در متن کتاب نیز به این جرح و حذف اشاره شده است) ولی لااقل انگیزه جعل آن دست نخورده برجای ماند. ویلبر می‌نویسد: «از چند سال پیش به این نتیجه رسیده بودم که اگر شوروی‌ها در تدارک قبضه امور در ایران بر آیند - احتمالی که ما همیشه آن را در نظر داشته و سعی می‌کردیم تا آنجا که از دستان بر نی‌آید برای [مقابله با] آن برنامه ریزی کنیم - رهبری این کار را نه به راستش ایرانی‌ها، علوی یا یکی دیگر از رهبران چشمگیر حزب توده - آن‌ها به فردی محول می‌کردند که برای این کار آموزش دیده و در گوشه‌ای مد نظر بود اگر من بودم لاهوتی را انتخاب می‌کردم.» ویلبر پس با اشاره‌ای کوتاه به کودتای بهمن ۱۳۰۰ لاهوتی در تبریز و فروپاشی آن در پی حمله قزاق‌ها می‌نویسد: «از حدود سال ۱۹۵۰ [۱۳۲۹] بود که دیوانه‌وار به لاهوتی، مجموعه اشعار وی که در ۱۹۴۶ در مسکو چاپ شده بود به صورتی انبوه در کتابفروشی‌ها و بساط‌های کنار خیابان تهران پدیدار شد. در پایان هر قطعه شعر تاریخ و محل سرودن آن ذکر شده بود. خیلی از این اشعار جنبه صریح مارکسیستی داشته، در ستایش از لنین، پرولتاریا، انقلاب رهایی بخش ستم‌دیدگان و غیره سروده شده بود. حبیبیت که ادعا می‌شد در جمهوری شوروی تاجیکستان - که فارسی زبان آن‌ها بود - دارد، به اندازه‌ای بود که ساختمان آپرا را به اسم وی نامگذاری کرده بودند. من این عمل را اقدامی دانستم در جهت تقویت موفقیت وی برای شغل آتی اش.»^۱

1. Wilber, *Adventures...*, op. cit., p. 191.

در کنار اقداماتی چون نشر شرح زندگانی من که سعی آشکاری است در دگرگونه وانمودن زندگی لاهوتی، این نکته را نیز باید خاطرنشان ساخت که طرف دیگر ماجرا یعنی طیف همدل با لاهوتی و آرمان‌های او نیز در روش‌تر ساختن مراحل مختلف زندگی لاهوتی به‌ویژه سال‌های خدمت او در ژاندارمری - تلاش چشمگیری به خرج نداده است. چنین به نظر می‌آید که این گروه نیز لاهوتی را بیشتر در قالب افسانه‌ای می‌پسندد تا در یک چارچوب تاریخی، لاهوتی را که ورود به ژاندارمری را امکانی برای نیل به هدف‌های دموکراتیک خود می‌شمارد^۱ و در ایام خدمت در ژاندارمری قم نیز «... از احکام دولت سرپیچی کرد، عده خود را آماده قیام نمود ولی موفقیتی به دست نیاورد» نتیجه غیاباً محکوم شد و به ترکیه فرار کرد...^۲ طبیعی است که مؤلفان چنین مقدمه گنگ و نادقیقی، جز این نخواهد بود که در ادامه بنویسند کودتای او در تبریز نیز «... آغاز یک جنبش متشکل و باهدفی بزرگ برای بایستی همه نیروهای دموکرات و ضد امپریالیست آذربایجان را برپا می‌کرد...»^۳ و به همین ترتیب در کنار اشاره به خواسته‌هایی که در ادعای ادخال حقوق معوقه - که می‌دانیم مطرح بود- از این سخن به میان آوریم که «... آن‌ها تقاضا می‌کردند که امپریالیست‌های انگلیسی از ایران بیرون رانده شوند، اصلاحات دموکراتیک در سراسر کشور صورت گیرد،

۱. عبدالصمد کامبخش، «شماره‌ای از تاریخ ارتش ایران و مبارزات دموکراتیک درون آن»، در مجموعه مقالات نظری به جنبش کارگری و کمونیستی ایران، انتشارات حزب توده ایران، بی‌جا، ۱۹۷۲، ص ۲۰۸.

۲. همان، صص ۲۰۹ - ۲۰۸.

رضا خان از وزارت جنگ برکنار...^۱ شود - که نمی دانیم آیا مطرح بود یا خیر - شرح و تفصیلی که بیشتر به روی دیگر سکه شرح زندگانی من شباهت دارد تا یک برداشت تاریخی.

اگر چه تجمع اولیه تعدادی از کمونیست های تبریز در اطراف زاندارم ها به محض ورود آنها به شهر و احتمال وجود نوعی ارتباط بین میان شورشی ها و محافل تندرو تبریز، و از آن مهم تر فرار بعدی لائتیه و امثالین به شوروی موجب آن شده است که قیام وی را در ردیف حرکت های کمونیستی آن دوره طبقه بندی کنند، ولی داده های موجود و سایر بیانیه های برجای مانده از لاهوتی مؤید چنین تعبیری نیست. در واقع سمای پاره ای کلیات آزادی خواهانه که وجه مشخصه بسیاری از تحولات شورشی آن دوره بود، خواست شناسایی حقوق مادی و معنوی شهروندی به عنوان نیرویی متفاوت از قزاقخانه، تنها خواست مشخص و تعریف شده این حرکت محسوب می شد.

و به همین ترتیب در دقت و درستی بهمان اندازه مطالبی که در ادوار بعد در شرح و توصیف مراحل پیشین زندگی همین نوشته شد نیز تردید باید داشت. مأخذ اصلی این گونه نوشته ها بهر وی چهره ای ترسیم می کند سرکش و انقلابی که از بدو - جنگ های مشروطه دل در گرو اندیشه های سوسیال دموکراتیک داشت و در

۱. م. س. ایوانف، تاریخ نوین ایران، ترجمه هوشنگ تیرابی و حسن قائم پناه، بی جا، انتشارات حزب توده ایران، ۱۳۵۶، ص ۵۲.

۲. برای آگاهی از متن این بیانیه ها بنگرید به پیوست شماره ۲ همین بررسی.

انقلاب اکتبر نیز مشخصاً به آرمان‌های کمونیسم روی آورد^۱، بیشتر تعبیر و تفسیرهایی است مبتنی بر مجموعه اشعار وی که سال‌ها بعد در اتحاد شوروی گردآوری و منتشر شد. تاریخ سرودن این اشعار که در مجموعه‌های فوق‌الذکر پای هر قطعه آمده است خود مبنایی شد برای بازسازی تحولات فکری و در مواردی چند نیز رویدادهای زندگی ابوالقاسم لاهوتی.^۲ حال آن‌که چنین به نظر می‌آید که اگر جز دوران شعرنویسی، منابع مستند دیگری را مآخذ قرار دهیم از لاهوتی سال‌ها پیش از جنگ اول جهانی تا کودتای تبریز، حال اگر نگوئیم چهره‌ای متفاوت و لااقل چهره معتدل‌تری به دست می‌آید. برای مثال نه منظومه ایران‌نامه او که شرحی است در توصیف و معرفی پادشاهان ایرانی از عهد باستان به بعد و نه مجله ادبی پارس که هریک نمونه‌ای هستند جدا و مستقل از مجموعه آثار رسمی او، هیچ یک نشانی از گرایش‌های تند انقلابی را خود ندارند.

در این بررسی که به دو دوره شش‌ساله از زندگی لاهوتی پرداخته شده است، یعنی دوران ریاست او در اردبیل (۱۳۲۰-۳۲) - ۱۳۳۰ ه.ق) و کودتای وی در تبریز (بهمن ۱۳۳۰) - ۱۳۳۰ ه.ق) استفاده از اسناد و نوشته‌هایی که یا تاکنون مورد توجه قرار

۱. برای مثال بنگرید به بخش ابوالقاسم لاهوتی، ادبیات فارسی در تاجیکستان، نوشا، پاریس، ۱۳۷۲. بچکا (ترجمه محمود عبادیان و سعید عبانزاد هجران دوست، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات بین‌المللی، ۱۳۷۲، صص ۱۲۶-۱۲۵).

۲. برای نمونه بنگرید به مقدمه دیوان لاهوتی، صص هفتاد و چهار تا صد و یازده؛ همچنین به تبیع آن شمس لنگرودی، تاریخ تحلیلی شعر نو، تهران: نشر مرکز، ج ۱، ۱۳۷۰، صص ۵۹-۵۶.

نگرفته‌اند - مانند گزارش‌های مندرج در جراید وقت - یا اسنادی که به‌تازگی در دسترس آمده‌اند - مانند اسناد برجای مانده از مخابرات تلگرافی تهران - تبریز در بهمن ۱۳۰۰ - شرح بالنسبه واقعی‌تری از دوران نظامی‌گری لاهوتی به دست آید و طبیعتاً در حاشیه این بررسی برسی از شایعات و افسانه‌های رایج درباره این دو دوره از زندگانی ری به طه کلی و یا در مواردی خاص مانند داستان پرونده لاهوتی در ایام ژاندارمری قم، به صورتی مشخص مورد نقد و بازبینی قرار گرفته است. با توجه به روایات نادرستی که در همین دو مورد ملاحظه شد، چنین به نظر می‌آید که داشته باشد در باب سایر حکایات موجود در زمینه دیگر ادو زندگانی لاهوتی - به‌ویژه همان‌گونه که اشاره شد سال‌های جوانی او - بی‌بسیاری از حقیقتی به عمل آید. ناگفته نماند که در مورد همین دو دوره زندگی لاهوتی نیز نکات مبهم و ناروشن بسیار است؛ مثلاً هنوز نمی‌دانیم که علت واقعی ترک خدمت وی در ایام ژاندارمری قم چه بود و یا آن‌که مهم‌تر آن‌که در بهمن ۱۳۰۰، در آستانه شورش لاهوتی، میان ژاندارمری و شرفخانه و محافل انقلابی تبریز چه ارتباطی برقرار بوده است و پرسش‌هایی دیگر از این دست که باید امیدوار بود به تدریج اطلاعات بیشتری در مورد آنها به دست آید.

در پایان جا دارد از راهنمایی‌های دوست گرامی آقای محمود کوهستانی‌نژاد در زمینه بازتاب مطبوعاتی سرگذشت لاهوتی و مساعدت اولیای محترم موسسه مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی

(که اینک به موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران تغییر نام داده است) برای فراهم آوردن امکان بهره‌برداری از اسناد مخابرات تلگرافی تهران - تبریز در طول قیام تشکر گردد.

کاوه بیات

پاییز ۱۳۷۶